تجلی اراده ملی در کالبد جامعه:

واکاوی تأثیر پویش مردمی جانفدا بر تثبیت ساختار سیاسی و ترسیم افق‌های آینده ایران



عبدا... محیسن‌پور شریف
کارشناس فرهنگی اجتماعی
پایگاه خبری تحلیلی جهان اخبار خوزستان

تاریخ ملت‌ها را نه صرفاً با معاهدات سیاسی، نبردهای نظامی یا تغییر مرزهـا، بلکه با لحظاتی از بلوغ جمعی می‌سـنجند؛ لحظاتی که در آن، مرزهای میان دولت و ملـت کمرنگ شـده و اراده‌ای واحـد در کالبد جامعه جریان می‌یابد. در سال‌های اخیر، پویش مردمی جانفدا به عنوان یکی از بی‌سابقه‌ترین و عمیق‌ترین پدیده‌های اجتماعی و سیاسـی در ایران معاصـر، دقیقاً تجلی‌گاه همین بلوغ جمعی بوده است. این پویش که با تکیه بر فرهنگ ایثار، مسـئولیت‌پذیری مدنی و دفاع از کیان ملی شکل گرفت، تنها یک حرکت نمادین یا گذرا نبود، بلکه به عنـوان یک کاتالیزور قدرتمند، سـاختارهای پنهان و آشـکار جامعه ایرانی را تحـت تأثیر قرار داد. امروز، وقتی به عقب نگاه می‌کنیم، ردپای این پویش را می‌توان در لایه‌های مختلف حکمرانی، اقتصاد، امنیت و حتی روانشناسـی اجتماعی ایران مشاهده کرد. این مقاله تحلیلی بر آن اسـت تا با نگاهی آسیب‌شناسانه و آینده‌پژوهانه، ابعاد مختلف تأثیر پویش مردمی جانفدا را بر تثبیت ساختارهای کنونی و معماری آینده ایران مورد واکاوی قرار دهد.برای درک عمیق تأثیر پویش جانفدا بر آینده ایران، ابتدا باید ماهیت جامعه‌شـناختی آن را رمزگشـایی کرد. جوامع در طـول تاریخ با چالش‌های متعددی روبـرو بوده‌اند، اما آنچه ایـران در دهه اخیر تجربه کرده، ترکیبی بی‌سابقه از فشارهای ژئوپلیتیک، جنگ تمام‌عیار اقتصادی و تهاجمات پیچیده فرهنگی بوده اسـت. در چنین بسـتری، نظریه‌های کلاسیک جامعه‌شناسـی سیاسـی پیش‌بینی می‌کردند که فشار مضاعف خارجی و داخلی منجر به گسسـت اجتماعی، آنومی و فروپاشـی سـرمایه اجتماعی خواهد شد. اما پویـش مردمی جانفدا دقیقا نقطـه عطفی بود که این پیش‌بینی‌های بدبینانه را باطل کرد و معادلات را برهم زد. این پویش با تکیه بر مفهوم عمیق جانفدایی، یعنی گـذر از منیت به نفع جمـع و ترجیح منافـع ملی بر خواسته‌های فردی، توانست نوعی همبستگی مکانیک و ارگانیـک را همزمان در جامعه ایرانی احیا کند. امیل دورکیم در نظریات خود از همبسـتگی ارگانیک سخن می‌گوید که در جوامع پیچیده مدرن از طریق تقسـیم کار و وابستگی متقابل شکل می‌گیرد. اما پویش جانفدا نشـان داد که در ایـران، یک همبسـتگی اخلاقی، اعتقـادی و تاریخی نیز وجود دارد که می‌تواند فراتر از سـاختارهای بوروکراتیک و خشـک اداری عمل کند. مردم در این پویش نه به عنوان ابژه‌های سیاست‌گذاری، بلکه به عنوان سوژه‌های فعال تاریخ، وارد میدان شدند. این کنشـگری ایثارگرانه، سـرمایه اجتماعی را که در سال‌های پیشین به دلیل ناکارآمدی‌های برخی نهادها و فشارهای خارجی دچار نوسـاناتی شده بود، بازتولید کرد. اعتماد عمومی که حلقه مفقوده بسیاری از جوامع در حال توسعه است، در بستر پویش جانفدا از پایین به بالا و از دل ملت به سمت حاکمیت جریان یافت. وقتی مردم احسـاس کردند که سرنوشـت ملی به دسـتان خودشان گره خورده اسـت، مفهوم ملت از یک انتزاع جغرافیایی به یک واقعیت زیسـته و متعهد تبدیل شد. این تغییر پارادایم در ذهنیت شهروندان، زیربنای اصلی تثبیـت سـاختارهای آینده ایـران خواهد بـود، زیرا حکمرانـی، دیگر نمی‌تواند بـدون در نظر گرفتن این ضریـب بـالای مشـارکت مدنـی و خودجـوش، سیاسـت‌گذاری کند.یکی از مهم‌تریـن و بنیادی‌ترین تأثیرات پویـش مردمی جانفـدا، بازتعریـف قرارداد اجتماعی در ایران اسـت. در علوم سیاسی، مشروعیت نظام‌هـای سیاسـی بر پایه‌هـای مختلفـی از جمله کارآمدی اقتصادی، ایدئولوژی مشـترک و مشـارکت مردمی اسـتوار است. پویش جانفدا نشـان داد که در شـرایط تحریم و تهدید وجودی، مشروعیت مبتنی بر کارآمدی صرف کافی نیسـت، بلکه این مشـروعیت مبتنی بر همبستگی، ایثار و اشتراک در درد و رنج است که می‌تواند نظام را در برابـر طوفان‌های منطقه‌ای و بین‌المللی بیمه کند. مردم در این پویش ثابت کردند که حاضرند برای حفظ دسـتاوردها، استقلال ملی و کیان سـرزمینی، از منافع شـخصی و آسـایش موقت خود بگذرند. این گذشت، در ازای تضمین آینده‌ای مستقل، باکرامت و امن برای نسـل‌های بعدی بود. این معامله نانوشـته، قرارداد اجتماعی جدیدی را در ایران رقم زد. در این قرارداد جدید، دولت نیز مکلف اسـت تا در برابر این ایثارگری بی‌دریغ، سـاختارهایی را طراحی کند که شایسته‌سالاری، عدالت‌محوری، شفافیت و پاسخگویی در آن‌ها موج بزند. تثبیت ساختار سیاسی ایران در گرو پذیرش این واقعیت اسـت که مردم، شریک قدرت و سیاست‌گذاری هسـتند، نه صرفاً مخاطب یا اجراکننده دستورات. پویش جانفدا به حاکمیت، این پیام روشن را مخابـره کرد که پشـتیبانی مـردم، زمانـی پایدار و لرزان‌ناپذیـر می‌ماند که حاکمیت نیـز خود را ملزم به رعایت اصول اخلاقی، مبارزه بی‌امان و بدون خط قرمز با فسـاد، و توجه ویژه به معیشـت و کرامت اقشـار آسیب‌پذیر بداند. بنابراین، آینده ساختار سیاسی ایران به سمت یک مدل مشارکتی، شـبکه‌ای و سیال حرکت خواهد کـرد که در آن نهادهـای مدنی و پویش‌های مردمی، به عنوان بازوهای کمکی، مشـورتی و نظارتی بر سـاختار رسمی دولت عمل می‌کنند.اقتصاد ایران در سـال‌های اخیر تحت فشار شدیدترین و بی‌سابقه‌ترین تحریم‌هـای تاریـخ معاصر بوده اسـت. بسـیاری از اقتصاددانان لیبرال و وابسته به مکاتب غربی، راه نجات را در تسلیم در برابر فشارهای خارجی، تغییر ساختارهای کلان بـه نفع بازارهـای جهانی و واگـذاری تمامیت اقتصاد به بخش خصوصی وابسته می‌دیدند. اما پویش مردمی جانفدا در عرصه اقتصاد نیز خوش درخشـید و نشان داد که تاب‌آوری اقتصادی ایران، بیش از آنکه به متغیرهای کلان اقتصادی و تزریق ارز وابسته باشد، به متغیرهای رفتاری، فرهنگی و شـبکه‌های انسانی گره خورده است. در بستر این پویش، مفاهیمی مانند جهاد تبیین، حمایت همه‌جانبـه از تولید ملی، و کمک‌های مومنانه و مردم‌سـازی اقتصاد، به یک گفتمان غالب و عملیاتی تبدیل شـد. مردم بـا درک عمیق از ماهیت جنـگ اقتصادی، به صورت داوطلبانه در شـبکه‌های توزیـع کالا، حمایت از کالای ایرانـی، و حتی تأمین نیازهای اولیه اقشار ضعیف وارد عمل شدند. این پدیده، نشان‌دهنده شـکل‌گیری یک اقتصاد غیررسمی اما به شدت کارآمد، چابک و مبتنی بر اخلاق است. تأثیر این امر بر سـاختار آینده اقتصاد ایران، گـذار تدریجی اما قطعی از یک اقتصاد نفتی، رانتی و دولت‌محور به یک اقتصاد مردم‌پایه، دانش‌بنیان و شـبکه‌ای است. در این مدل آینده، دولت نقـش تصدی‌گری را به طور کامل کاهش داده و به عنوان تسهیل‌گر، سیاست‌گذار کلان و ناظر عمل می‌کند، در حالی که شـبکه‌های مردمی و پویش‌هایی نظیر جانفدا، موتـور محرک تولید ثروت، نـوآوری و توزیع عادلانه آن خواهند بود. این سـاختار جدیـد، اقتصاد ایـران را در برابـر تکانه‌های خارجی واکسینه می‌کند، زیرا دیگر نمی‌توان با هدف قرار دادن چند شـریان اصلـی اقتصادی یا تحریـم یک کالای خاص، کل کشـور را فلج کرد. تاب‌آوری سـاختاری و اقتصاد شبکه‌ای، میراث گران‌بهای پویش جانفدا برای اقتصاد آینده ایران است.در دکترین امنیت ملی سنتی، مفاهیـم امنیت بر پایـه تجهیزات نظامی پیشـرفته، ارتش‌های کلاسـیک و اتحادهای استراتژیک استوار بود. اما پویش مردمی جانفدا، مفهوم امنیت را از حالت سـخت و صرفاً نظامی خارج کـرده و به یک مفهوم جامـع، همه‌جانبه و چندلایه تبدیل کـرد. امنیت ملی ایران امروز، ترکیبی از قـدرت نظامی بازدارنده، عمق استراتژیک منطقه‌ای و از همه مهم‌تر، انسجام داخلی، سرمایه اجتماعی و امنیت شناختی است. پویش جانفدا در واقـع یک مانور عظیم و بی‌سـابقه در زمینه امنیت شـناختی و مقابله با جنگ ترکیبی دشمن بود. دشمنان ایران همواره تلاش کرده‌اند با ایجاد شکاف میان ملت و دولـت، بزرگنمایی ناکارآمدی‌ها، و بـا ناامید کردن مـردم از آینده، زمینـه را برای فروپاشـی از درون و رنگین‌کمانی فراهم کنند. اما این پویش با تزریق روحیه امید، خودباوری، ایثار و کار جمعی، دقیقاً همان نقاطی را که هدف حملات سایبری، رسانه‌ای و روانی دشمن بود، به نقاط قوت و نفوذناپذیر تبدیل کرد. آینده ساختار امنیتی ایران بر اسـاس این تجربه ارزشمند، به سمت مدل‌های امنیت فراگیر و مردم‌پایه حرکت خواهد کرد. در این مدل، هر شهروند نه به عنوان یک سرباز وظیفه، بلکه به عنوان یک کنشگر آگاه، متعهد و مسئولیت‌پذیر، وظیفـه امنیت فرهنگی، اقتصادی، زیسـت‌محیطی و اجتماعی محیط پیرامون خود را بر عهده می‌گیرد. این یعنی گذار از امنیت سـلبی و قهری به امنیت ایجابی و مدنی؛ جایی که امنیـت نه با حذف فیزیکی تهدیدات، بلکه با افزایش ضریب تاب‌آوری، همبسـتگی و آگاهی جامعه تولید می‌شود. این ساختار امنیتی نوین، ایران را به یک قلعه نفوذناپذیر در منطقه تبدیل کرده که هزینه هرگونه ماجراجویی خارجی، جنگ نرم یا سخت را برای دشمنان به شـدت افزایش می‌دهد.یکی از پیامدهای پنهان اما بسیار مهم و راهبردی پویش مردمی جانفدا، تغییـر نگرش به سـاختارهای اداری، بوروکراسـی و حکمرانی محلی است. در گذشته، تمرکزگرایی شدید در سیستم اداری ایران باعث کندی تصمیم‌گیری، اتلاف منابع و ناکارآمدی در سـطح محلی می‌شد. اما پویش جانفدا نشان داد که وقتی ابتکار عمل، اعتماد و منابع به دسـت مردم و نهادهای محلی سـپرده می‌شود، چه ظرفیت‌های عظیم و نهفتـه‌ای آزاد می‌گردد. مدیریت بحران‌هـا، از بلایـای طبیعـی و زیسـت‌محیطی تا چالش‌های پیچیده اجتماعی، در سایه این پویش نشان داد کـه فرماندهان میـدان، اغلب معتمـدان محلی، خیریـن، نخبگان بومی و فعالان مدنی هسـتند که با انگیزه‌های الهی و ملی وارد عمل می‌شوند و با سرعتی باورنکردنی، گره‌های کور را بـاز می‌کنند. این تجربه موفـق، راه را برای اصلاحات سـاختاری و بنیادین در نظام اداری ایران هموار کرده اسـت. در آینده ایران، ما شاهد نوعی تمرکززدایی هوشـمند و هدفمند خواهیم بود؛ به این معنا که تصمیم‌گیری‌های کلان و راهبردی در سـطح ملی انجام می‌شـود، اما اجرای سیاست‌ها، مدیریت منابع و حل بحران‌ها به صورت شبکه‌ای و با مشارکت مستقیم پویش‌های مردمی در سطح استان‌ها و شهرستان‌ها صورت می‌گیرد. این تغییر ساختار، باعث افزایش سـرعت عمـل، کاهش بوروکراسـی زائد و فرساینده، و افزایش چشـمگیر رضایت‌مندی عمومی خواهد شـد. حکمرانی محلی در ایرانِ آینده، حکمرانیِ مشـارکتی و شـبکه‌ای خواهد بود کـه در آن دولت، دانشـگاه، بـازار و نهادهـای مردمـی در یک مثلث توسعه‌ای و متوازن قرار می‌گیرند. پویش جانفدا، الهای این حکمرانـی مشـارکتی و مردمی را بـه مدیران، کارگـزاران و مردم آموخت و نشـان داد که کلید حل بسیاری از مشکلات محلی، در خودِ همان مناطق نهفته است.تأثیر پویش مردمی جانفدا تنها به داخل مرزهای جغرافیایی ایران محدود نماند، بلکه بازتاب‌های گسترده و عمیقـی در عرصه دیپلماسـی عمومـی و جایگاه بین‌المللی ایران داشـت. در دنیـای امروز، قدرت نرم، جذابیت فرهنگی و نفوذ رسـانه‌ای یک ملت، به اندازه قدرت سـخت و نظامی آن در معادلات جهانی اهمیت دارد. پویش جانفدا، تصویری بی‌نظیر از یک ملت بیدار، متعهد، صاحب اراده و امیدوار را به جهان مخابره کرد. این تصویر، محاسـبات استراتژیک دشـمنان ایران را برهم زد. آن‌هـا تصور می‌کردند با جنگ رسـانه‌ای، تحریم‌های فلج‌کننده و ایجاد ناامیدی، مردم ایران را به سـتوه آورده و آن‌ها را نسـبت به آینده نظام و کشور بی‌اعتماد کرده‌اند. اما ظهور پویشی با این وسعت، عمق و صمیمیت، نشـان‌دهنده عمق استراتژیک فرهنگی، مذهبی و تاریخی ایران بود. این پدیده برای کشورهای منطقه، جهان اسلام و حتی کشورهای در حال توسعه، الگویی بی‌بدیـل از مقاومت، خوداتکایـی و مدیریت بحران مبتنی بر ظرفیت‌های درونی ارائه داد. در ساختار آینده سیاسـت خارجـی ایران، دیپلماسـی عمومی و مردم‌پایه نقش پررنگ‌تر و محوری‌تری ایفا خواهد کرد. ایـران دیگر تنهـا با زبـان دولت‌هـا، وزارتخانه‌ها و سفارتخانه‌ها با جهان سخن نمی‌گوید، بلکه شبکه‌های مردمـی، پویش‌هـای فرهنگـی، نهادهـای مدنی و خیریه‌ها، به عنوان سفیران واقعی و تأثیرگذار ایران در جهان عمـل خواهند کرد. این رویکـرد نوین، انزوای تبلیغاتـی ایجاد شـده توسـط رسـانه‌های غربی و صهیونیستی را شکسته و ایران را به عنوان یک بازیگر اخلاق‌مدار، مردمـی و صلح‌طلب در عرصه بین‌المللی معرفی می‌کند که پشتوانه آن، نه فقط موشک‌ها، بلکه قلب‌های تپنده مردمش است.با وجود تمام دستاوردها، برکات و تأثیرات عمیق پویش مردمی جانفدا، نمی‌توان از چالش‌ها، آسـیب‌ها و خطرات پیش روی این مسیر غافل بود. هر پدیده اجتماعی بزرگ و هیجان‌انگیزی، پس از فروکش کردن امواج اولیه، با چالش‌های نهادینه شدن، سـازماندهی و جلوگیری از فرسـودگی روبرو می‌شـود. یکی از مهم‌ترین چالش‌های سـاختار آینده ایـران، چگونـه تبدیل کـردن این انـرژی عظیم و خودجوش مردمی به یک نهاد پایدار، سیسـتماتیک و قانون‌مند اسـت، بدون آنکه روحیه داوطلبانه، خلوص نیت و خودجوشی آن در بوروکراسی اداری و دست‌وپای قوانین خشک خفه شود. خطر دیگری که همواره وجود دارد، سوءاسـتفاده جریانات سیاسی، باندهای قدرت و فرصت‌طلبـان از این پویش بـرای مقاصد جناحی و انتخاباتی اسـت. پویش جانفدا متعلـق به تمام ایران، فراتر از مرزهای قومی و مذهبی، و بالاتر از گرایش‌های سیاسی است. اگر این پویش به ابزار رقابت‌های کثیف سیاسی تبدیل شود، نه تنها سرمایه اجتماعی آن از بین می‌رود، بلکه باعث دلسردی عمیق مردم و بی‌اعتمادی آن‌ها خواهد شـد. بنابراین، ساختار آینده ایران نیازمند ایجاد سـازوکارهای هوشـمند و نظارتی است که این پویش‌هـا را در یک چارچوب ملـی، اخلاقی و فراگیر حفظ کرده و از هرگونـه انحراف آن‌ها جلوگیری کند. علاوه بر این، تداوم ایـن ایثارگری‌ها و انتظار از مردم بـرای حضور در میدان‌هـای سـخت، نیازمند تأمین معیشـت، رفاه نسـبی و امنیـت روانی مردم اسـت. نمی‌توان از مردم انتظار ایثار و فداکاری داشـت، اما در عمل آن‌ها را در تنگناهای اقتصادی، تورم و بی‌عدالتی رها کـرد. دولت در سـاختار آینده بایـد با اصلاحات اقتصادی واقعی، ریشه‌ای، کاهش تورم، مبارزه با فساد و ایجاد اشتغال پایدار، بستر را فراهم کند تا ایثارگری از یک ضرورت ناشـی از فقر و فشـار، بـه یک انتخابِ اخلاقی، آگاهانـه و داوطلبانه برای تعالی جامعه تبدیلِ شود.شـاید مهم‌ترین، عمیق‌ترین و ماندگارترین تأثیر پویش مردمی جانفدا بر ساختار آینده ایران، تأثیر آن بر نسـل جدید، به ویژه دهه هشتادی‌ها و نودی‌ها باشد. نسـلی که در اوج فشارهای رسانه‌ای، جنگ شناختی و تغییرات سـریع تکنولوژیک رشد کرده است، در پویش جانفـدا فرصتی طلایی یافت تا هویـت ملی، دینی و تاریخی خود را نه از طریق شـعارهای توخالی، بلکه از طریق عمـل، کنشـگری عینی و لمـس واقعیت‌ها بازتعریف کند. این نسل، با مشاهده تأثیرگذاری مستقیم و بی‌واسطه خود بر سرنوشت جامعه و حل مشکلات، به یک بلوغ سیاسی و اجتماعی زودرس دست یافت. آن‌ها دریافتند که تغییر سـاختارها و اصلاح امور، نه با انتظار از منجی‌های بیرونی و نه با تسـلیم در برابر تهدیدات، بلکه با همت، اراده جمعی و کار شـبانه‌روزی خودشان ممکن اسـت. این تغییر نگرش بنیادین، تضمین‌کننده آینده ایران است. نسل جدیدی که با روحیه جانفدایی، مسـئولیت‌پذیری مدنی و کار جمعی بزرگ شده است، در آینده به مدیران، قانون‌گذاران، دانشمندان و رهبران فکری ایران تبدیل خواهد شد. ساختارهای آینده ایران، بازتاب‌دهنده ارزش‌ها، نیازها و زبان این نسـل خواهد بـود؛ سـاختارهایی چابک‌تـر، شـفاف‌تر، مبتنی بر شایسته‌سـالاری و همسـو با فناوری‌های روز. پویش جانفدا، پل ارتباطی مستحکمی میان ارزش‌های سنتی ایثار، شـهادت و معنویت با ارزش‌های مدرن مشارکت مدنی، حقوق شهروندی و توسعه پایدار بود که این نسل به خوبی آن را درک، هضم و عملیاتی کرد.با جمع‌بندی تمام این ابعاد و لایه‌ها، می‌توان تصویر نسبتاً شفاف و روشـنی از معماری نهادی آینده ایران ترسـیم کرد. پویش مردمی جانفدا، کاتالیزوری بود که فرآیند گذار از حکمرانی سـنتی، متمرکز و بالا به پایین به حکمرانی شبکه‌ای، مشارکتی و مردم‌پایه را تسریع و تثبیت کرد. این امر نیز خود به خود و یک‌شبه به ذهن ملت نیامده و برگرفته از آموزه‌ها، تدابیر و بیانات امام شهید امت بود که عمق استراتژی را برای ملت مبعوث گویا و راه آینده را روشن سـاخت. در این معماری جدید و نوین، دولت دیگـر تنها بازیگر عرصه سیاسـت، اقتصاد و فرهنگ نیسـت، بلکه یکـی از بازیگران در کنار شـبکه‌های مردمی، بخش خصوصی واقعـی، نخبگان و نهادهای مدنی است. این ساختار جدید، بر پایه اصل کمک‌گیری و تمرکززدایی اسـتوار خواهد بود؛ یعنی تصمیم‌گیری باید در پایین‌ترین سـطح ممکن که کارآمد است انجام شود. پویش جانفدا ثابت کرد که مردم در سطح محلی، بهتر، سریع‌تر و دقیق‌تر از دولت می‌توانند نیازهای خود را شناسـایی و برطرف کنند. بنابراین، سـاختار اداری آینده ایران، سـاختاری افقی، چابک و شبکه‌ای خواهد بود که در آن اطلاعات، منابع و تصمیمات به سـرعت بیـن نهادهای مختلـف جریان می‌یابـد و هیچ مانع بوروکراتیکـی جلوی اراده مردم را نمی‌گیرد. همچنین، نظام قانون‌گـذاری ایران نیز تحـت تأثیر این پویش عظیم، به سمت تصویب قوانینی حرکت خواهد کرد که مشـوق مشـارکت مردمـی، حمایـت از پویش‌های داوطلبانه و تسـهیل کار خیر اسـت. بـه جای قوانین دست‌وپاگیر، محدودکننده و مچ‌گیر، قوانین تسهیل‌گر، حمایتی و مشـوق در اولویت قرار خواهند گرفت. این تغییر رویکرد، نشـان‌دهنده بلوغ نظـام قانون‌گذاری، درک عمیق نمایندگان و درک واقع‌بینانه آن‌ها از نقش بی‌بدیل و جایگزین‌ناپذیر مردم در پیشبرد اهداف ملی و حل بحران‌ها اسـت.برای درک بهتر جایگاه پویش جانفدا در تاریخ معاصر ایران، باید به ریشه‌های تاریخی حرکات مردمی در این سرزمین نگریست. ایران همواره در نقاط عطف تاریخی، با تکیه بر سـرمایه اجتماعی و همبسـتگی مذهبی–ملی خود از گردنه‌های خطرناک عبور کرده است. از نهضت تنباکو و انقلاب مشروطه که نشـان‌دهنده بیداری سیاسـی و مطالبه قانون بود، تا نهضت ملی شدن صنعت نفت که تجلی استقلال‌طلبی و مبارزه با اسـتعمار بود، و در نهایت انقلاب اسلامی و دفاع مقدس که اوج تلفیق ایمان، ملت و حکومت را به نمایش گذاشـت. پویش مردمی جانفدا، ادامه طبیعی و تکامل‌یافته همین زنجیره تاریخی است. با این تفاوت که در شـرایط پیچیده قرن بیست و یکم، با ابزارهای نویـن ارتباطی، آگاهی‌بخشـی و شبکه‌سـازی عمل می‌کند. این پویش نشـان داد که آن ژن مقاومت، آن روحیه ظلم‌ستیزی و آن تمایل به فداکاری برای جمع، که در رگ‌های تاریخ ایران جریان دارد، نه تنها از بین نرفته، بلکه در کالبدی مدرن‌تر و کارآمدتر دمیده شـده اسـت. این پیونـد تاریخی، به سـاختار آینـده ایران مشـروعیت تاریخی و عمق اسـتراتژیک می‌بخشد و نشـان می‌دهد که ایرانِ فردا، گسسـته از ایرانِ دیروز نیسـت، بلکه میوه همان درخت کهنسال است که در طوفان‌ها ریشـه‌دارتر شـده اسـت.یکی از حلقه‌های مفقوده در بسـیاری از حرکات اجتماعـی، پیوند میان توده‌های مردم و نخبگان فکری، علمی و دانشـگاهی است. پویش مردمی جانفدا این فرصت را فراهم کرد تا نخبگان دانشگاهی و حوزوی در کنار مردم قرار گیرند. دانشـگاهیان با ارائه مدل‌های علمـی برای مدیریت بحران، بهینه‌سازی منابع و حل مشکلات اجتماعی، به پویش جانفدا جهت‌دهی کردند و از احسـاسات زودگذر به سـمت کنشـگری عقلانـی و برنامه‌محور حرکت کردند. در سـاختار آینده ایران، این پیوند میان دانشگاه و جامعـه باید به یک نهاد ثابت و پایدار تبدیل شـود. دانشـگاه‌ها دیگر نباید صرفاً مدرک‌دهنده باشند، بلکه باید به عنوان مغـز متفکر پویش‌های مردمی و بازوی علمی و مشـورتی حاکمیت عمل کننـد. نخبگان باید زبـان مـردم را بفهمنـد و دغدغه‌های آن‌هـا را به سیاست‌های کلان ترجمه کنند. پویش جانفدا این زبان مشـترک را ایجاد کرد و آینده ساختار علمی و اجرایی ایران، بر پایه این تعامل دوسـویه و سازنده بنا خواهد شد.در عصر حاضر، رسـانه‌ها دیگر صرفاً انتقال‌دهنده خبر نیسـتند، بلکه سازندگان واقعیت و میدان‌دار جنگ روایت‌ها هستند. پویش مردمی جانفدا در این عرصه نیز درس‌های بزرگی داشـت. مردم خودشان راویان اصلی این پویش شدند. در حالی که رسانه‌های بیگانه تلاش می‌کردند با سـیاه‌نمایی و تحریف، واقعیت‌ها را پنهان کنند، میلیون‌ها شهروند ایرانی با تلفن‌های همراه خود، روایت‌هـای صادقانـه، امیدبخش و واقعـی از ایثار و همبسـتگی را در فضای مجازی منتشـر کردند. این تجربه نشـان داد که در جنگ روایت‌ها، هیچ رسانه‌ای نمی‌تواند جایگزین صداقت و اصالتِ روایتِ مردم شود. ساختار آینده رسانه‌ای و فرهنگی ایران باید بر پایه این اصل اسـتوار باشـد که اعتماد به رسانه‌های داخلی، از طریق شفافیت، صداقت و حضور میدانی خبرنگاران در کنار مردم به دسـت می‌آید. رسـانه ملی و شبکه‌های اجتماعی باید تریبونِ بی‌واسطه‌ی مردم باشند، نه ابزارِ توجیهِ ناکارآمدی‌ها.

